

Conflict of Interest in the Management of Iranian Water Resources: Identifying Examples, Contexts, and Consequences

M. Talebi Soumehsaraei^{1*}, A. Abdollahi Nasab²,
B. Zahraei³, H. Mianabadi⁴, H. R. Barjesteh⁵

Abstract

The water governance crisis in Iran is rooted in several structural challenges, of which "conflict" is one of the most key. This phenomenon, as a situation in which the personal or organizational interests of the agents are prioritized over the public interest, leads to administrative weakening, waste of resources, and deviation from the macro goals. Despite the importance of this issue, instances and contexts of conflict of interest in the water sector of Iran have been less investigated in the field. The present study aimed to identify these instances, contexts, and consequences, using a qualitative approach and focus group interview method with 9 groups of specialists and experts, the data of which was coded through content analysis. The findings showed that the conflict of interest is rooted in three main structural contexts: 1) dependency of the rule-maker and the implementer, which results from the managers' job connections and political influence; 2) dependency of the observer and the subject, which is manifested in the weakness of independent supervisory mechanisms, especially in large contracts; and finally 3) conflict of income and duties, which has transformed governance institutions into revenue-generating enterprises and marginalized the inherent duty of water protection. The results of this study indicated that conflict of interest is not an individual and accidental phenomenon, but rather a structural problem in the country's water governance system that has led to an escalation of the crisis, a decrease in the quality of projects, and a weakening of public trust. Facing this problem requires fundamental reforms, increased transparency, and establishment of independent supervision and addressing the issue and prescribing corrective solutions is of serious importance.

Keywords: Conflict of Interest, Water Resources Management, Water Governance, Administrative Health, Transparency.

Received: June 28, 2025

Accepted: November 22, 2025

تعارض منافع در مدیریت منابع آب ایران: شناسایی مصادیق، بسترها و پیامدها

مهندس طالبی صومعه‌سرای^{۱*}، علی عبدالهی نسب^۲،
بنفشه زهرایی^۳، حجت میان‌آبادی^۴، حمیدرضا برجسته^۵

چکیده

بحران حکمرانی آب در ایران، ریشه در چالش‌های ساختاری متعددی دارد که «تعارض منافع» یکی از آن‌هاست. این پدیده، به‌مثابه موقعیتی که در آن منافع شخصی یا سازمانی کارگزاران بر منفعت عمومی ارجحیت می‌یابد، به تضعیف سلامت اداری، هدررفت منابع و انحراف از اهداف کلان و در نهایت شکست سیاست‌ها منجر می‌شود. علیرغم اهمیت این موضوع، مصادیق و بسترهای تعارض منافع در بخش آب ایران کمتر به‌صورت میدانی واکاوی شده است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی این مصادیق، بسترها و پیامدها، با استفاده از رویکرد کیفی و روش مصاحبه گروهی متمرکز با ۹ گروه از متخصصان و کارشناسان صورت گرفته و داده‌های آن از طریق تحلیل مضمون کدگذاری شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که تعارض منافع در سه بستر اصلی ساختاری ریشه دارد: (۱) وابستگی قاعده‌گذار و مجری که ناشی از ارتباطات شغلی مدیران و نفوذ سیاسی است؛ (۲) وابستگی ناظر و منظور که در ضعف سازوکارهای نظارتی مستقل به‌ویژه در قراردادهای کلان بروز می‌یابد؛ و در نهایت (۳) تعارض درآمد و وظایف که نهادهای حاکمیتی را به نگاه‌های درآمدزا تبدیل کرده و وظیفه ذاتی حفاظت از آب را به حاشیه رانده است. نتایج این تحقیق بیانگر این بود تعارض منافع، پدیده‌ای فردی و اتفاقی نیست، بلکه معضلی ساختاری در نظام حکمرانی آب کشور است که به تشدید بحران، کاهش کیفیت پروژه‌ها و تضعیف اعتماد عمومی کمک کرده و مواجهه با آن مستلزم اصلاحات بنیادین، افزایش شفافیت و استقرار نظارت مستقل است و لذا پرداختن به این موضوع و تجویز راهکارهای اصلاحی اهمیت جدی دارد.

کلمات کلیدی: فساد، حکمرانی آب، سلامت اداری، شفافیت، قانون‌گذار.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۴/۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۹/۱

1- Assistant Professor, Department of Social Sciences-Sociology, SR.C, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: mahshid.talebi63@gmail.com

2 - Assistant Professor, Technology Studies Institute, Tehran, Iran. Email: abdollahinasab@tsi.ir

3- Professor, School of Civil Engineering, College of Engineering, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: Bzahraie@ut.ac.ir

4- Assistant Professor, Department of Water Engineering and Management, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: hmianabadi@modares.ac.ir

5- Water Resources Management and Planning Expert, Tehran, Iran. Email: hamidrezabarjeste@gmail.com

*- Corresponding Author

۱- استادیار گروه علمی علوم اجتماعی-جامعه‌شناسی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی. تهران، ایران.

۲- استادیار پژوهشکده مطالعات فناوری، تهران، ایران.

۳- استاد دانشکده مهندسی عمران، دانشکده‌گان فنی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۴- استادیار، گروه مهندسی و مدیریت آب، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۵- کارشناس ارشد مدیریت و برنامه ریزی منابع آب، تهران، ایران.

*- نویسنده مسئول

بحث و مناظره (Discussion) در مورد این مقاله تا پایان زمستان ۱۴۰۴ امکان پذیر است.

تعیین شده، اشتباهی راهبردی است. شناسایی مصادیق تعارض منافع نیازمند بررسی مبتنی بر موقعیت است؛ زیرا امری که در دوره خاص، مجاز و پسندیده تلقی می‌شده، ممکن است با گذشت زمان، به امری آمیخته با تعارض منافع و ناپسند تبدیل شود (Lo and Field, 2009). لذا می‌توان گفت مفهوم تعارض منافع و مصادیق آن در گذر زمان تغییر کرده است. بر این اساس، هر کدام از کشورها، اصول اخلاقی و سازمانی خود را داشته و تعاریف متفاوتی از تعارض منافع ارائه می‌دهند (Moore et al., 2005).

با وجود اهمیت تعارض منافع و احتمال فسادبرانگیز شدن شرایط ناشی از آن، مطالعات و اقدامات قابل توجهی برای مدیریت آن نه تنها در ایران، بلکه در سایر کشورها به طور محدود انجام شده است. تلاش‌های مدیریت تعارض منافع و مفاسد ناشی از آن نیز صرفاً درمان‌های عامیانه یا رویکردهای یکسانی هستند که مبتنی بر شرایط میدانی و تجربی نبوده‌اند، بلکه بیشتر بر مبنای تئوری‌های از پیش موجود قرار داشته و شانس موفقیت کمی دارند یا می‌توان گفت اصلاً موفقیت‌آمیز نبوده‌اند (Shah and Schacter, 2004). در مدیریت منابع آب نیز، با وجود پرتکرار بودن مصادیق تعارض منافع و فساد ناشی از سوءمدیریت آن بخصوص در ایران، با محدودیت اطلاعاتی و ناکافی بودن مطالعات و اسناد سیاستی مواجه هستیم. بدیهی است تعارض منافع تنها یکی از زمینه‌های بروز ناکارآمدی در نظام حکمرانی آب است و مباحثی نظیر ساختار نهادی ناکارآمد، ضعف در یادگیری سازمانی و عدم انعطاف نهادهای متولی مدیریت آب برای رشد و بلوغ ساختاری و اداری متناسب با تحولات در وضعیت منابع و مصارف آب و ذینفعان آن، از دیگر زمینه‌های بروز ناکارآمدی در حکمرانی آب هستند. این مقاله صرفاً به موضوع تعارض منافع می‌پردازد و دیگر زمینه‌های بروز ناکارآمدی در حکمرانی آب خارج از موضوع این تحقیق است.

در ایران، ناکارآمدی نظارت بر موقعیت‌های تعارض منافع در همه سطوح مدیریت منابع آب از سیاستگذاری تا اجرا مشهود است. از سویی به دلیل بزرگ مقیاس بودن و پیچیدگی فنی و سرمایه‌های پروژه‌های بزرگ چون سدسازی و توسعه شبکه‌های آبیاری و دشواری، تلاش‌های زیادی برای استانداردسازی فرآیند مطالعه و اجرای این پروژه‌ها صورت گرفته است؛ اما به نظر می‌رسد به دلیل عدم اجرای دقیق استانداردها، به‌روز نشدن آنها یا ناکافی بودن آنها بخصوص از نظر شمولیت بر فرآیندهای اداری حاکم بر صدور مجوزها و نظارت بر اجرا یا بهره‌برداری، زمینه بروز فساد فراهم شده است. از سوی دیگر، انحصارات اجرایی و نظارتی زمینه رانت را فراهم می‌کند. مصادیق و عوامل مختلفی در زمینه تعارض منافع در مدیریت منابع آب وجود دارد که همانطور که ذکر شد از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است و بدون پرداختن به آن، بسیاری از

همانطور که در اوایل قرن ۲۱ در مانیفست پروژه هزاره سازمان ملل ذکر شده است، «فقدان نهادهای مناسب در همه سطوح و اختلال مزمن در ترتیبات نهادی، بحران حکمرانی آب را ایجاد کرده است». در الگوی حکمرانی ناکارآمد، «فساد» به‌مثابه هسته اصلی ایجاد بحران شناخته می‌شود. تخمین بانک جهانی حاکی از آن است که ۲۰ تا ۴۰ درصد منابع مالی بخش آب در اثر اقدامات غیرصادقانه و فاسد از دست می‌رود (Plummer and Cross, 2006). «تعارض منافع»، یکی از بسترهای ایجادکننده فساد است و مبارزه با آن به پیشگیری از مفاسد کمک خواهد کرد. فساد در برخی از منابع به «سوءاستفاده از قدرت سپرده شده به یک فرد در راستای کسب منافع شخصی» تعبیر شده است. این تعریف که البته یکی از مصادیق متنوع بروز فساد است، شباهت زیادی به تعریف تعارض منافع دارد. چنان‌که بسیاری از تعاریف، تعارض منافع را شرایطی ذکر کرده‌اند که تصمیم یا اقدامات حرفه‌ای و سازمانی افراد به‌صورت ناروا تحت تأثیر منفعت شخصی آنها قرار بگیرد یا فرد منافع شخصی خود را با منفعی که مسئول آنهاست در تعارض می‌بیند (OECD, 2003). در تعریف تعارض منافع نیز، آن را وضعیتی در نظر گرفته‌اند که بین پاسخگویی حرفه‌ای و منفعت شخصی یک متخصص تنش بالقوه وجود داشته باشد (Sah, 2019). یعنی وضعیتی که کارگزار دولتی مخیر بین انتخاب منفعت مالی یا غیرمالی خود و یا منفعت مالی یا غیرمالی اطرافیان خود با منفعت عمومی باشد (Jafarinia et al., 2022). چنانچه مدیریت و نظارت صحیحی بر این شرایط نباشد و فرد منافع فردی را بر منفعت عمومی ترجیح دهد فساد رخ داده است. لذا امکان بروز این نوع از فساد به نحوه «مدیریت تعارض منافع» بستگی داشته و امری پیشگیرانه است.

بر این مینا در برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا مانند آلمان، لتونی و لهستان و برخی دیگر از کشورها، سیاست‌های مربوط به تعارض منافع، بخش مهمی از راهبرد پیشگیری و مبارزه با فساد در نظر گرفته شده است (Ansari, 2022). این کشورها تلاش کرده‌اند تا ابتدا حوزه‌های قطعی یا احتمالی تعارض منافع را در سیستم شناسایی کنند و سپس با اتخاذ تدابیر متناسب، از بروز فساد ناشی از تعارض منافع پیشگیری نمایند (Gosh and Trust, 2008).

با وجود اهمیت ذکر شده، تعارض منافع به‌عنوان بستر ایجادکننده فساد، مفهومی سیال بوده و مبتنی بر اهداف حاکمیتی است. این شرایط، تعریف تعارض منافع را در عرصه عدم قطعیت‌ها قرار می‌دهد. در شرایط عدم قطعیت، تعیین مصادیق ثابت و از پیش

منافع مالی مورد انتظار از طرح‌های توسعه منابع آب و همچنین خدمات اکوسیستمی قابل حصول از منابع آبی آسیب خواهند دید. با وجود کمبود مطالعات علمی و دستورالعمل‌های اجرایی در رابطه با تعارض منافع در مدیریت منابع آب در ایران، اما در سال‌های اخیر توجه سیاستمداران به این موضوع جلب شده و اقدامات مثبتی نیز در دولت در راستای ارتقای شفافیت و استفاده از راهبردهای فن‌آورانه برای رفع بسترهای تعارض منافع صورت گرفته است که در بخش‌های مختلف مقاله مورد اشاره قرار خواهند گرفت. به طور خاص، در بند الف ماده ۳۸ برنامه هفتم توسعه و با هدف بهبود نظام حکمرانی، وزارت نیرو صراحتاً به رفع هر گونه تعارض منافع و اصلاح ساختار موظف شده است. با توجه به موارد اشاره شده و با هدف کمک به بهبود ساختار مدیریت منابع آب کشور، این نوشتار درصدد شناسایی مهمترین مصادیق تعارض منافع در مدیریت منابع آب ایران از منظر متخصصان و کارشناسان بوده است، تا ضمن بررسی آنها، بسترهای ایجاد آن را شناسایی کرده و با ارزیابی پیامدهای احتمالی آن، دورنمایی از وضعیت موجود ارائه دهد. شایان ذکر است که این نوشتار مدعی این نیست که همه مشکلات فعلی در مدیریت منابع آب، ناشی از تعارض منافع است، بلکه محدودیت تحقیق حاضر نویسندگان را بر آن داشته است تا از بین موارد متعددی که منجر به مشکلات در این امر شده است (همچون ضعف یادگیری سازمانی، چارچوب‌های اداری ناکارآمد، ناتوانی نهادها در انطباق با شرایط جدید و موارد دیگر)، به طور تخصصی بر روی مفهوم تعارض منافع متمرکز باشد.

۲- مروری بر ادبیات تحقیق

«تعارض منافع» در فعالیت‌های اقتصادی و توسعه اجتماعی-اقتصادی، به طور تدریجی در ادبیات فنی بروز پیدا کرده و به مرور زمان به لحاظ مفهومی بلوغ پیدا کرده است. ایده اساسی رقابت در منافع، یک سنگ بنای اساسی در فلسفه اقتصادی و سیاسی است. فیلسوفانی مانند آدام اسمیت به این مفهوم اشاره کرده و مشاهده کردند که چگونه افراد با دنبال کردن منافع شخصی خود، می‌توانند تحت شرایط مناسب، از طریق «دست نامرئی» بازار، نفعی برای کل جامعه ایجاد کنند. کارل مارکس، مفهوم نظریه تضاد^۱ را توسعه داد، که بیان می‌کند جامعه به دلیل رقابت برای منابع محدود، در یک وضعیت مبارزه دائمی قرار دارد. با اینکه او از اصطلاح مدرن «تعارض منافع» استفاده نکرد، اما کار او برای درک اینکه چگونه می‌توان از قدرت اقتصادی برای پیشبرد منافع خصوصی به ضرر دیگران استفاده کرد، بنیادی است. استفاده مدرن و مشخص‌تر از اصطلاح «تعارض منافع» در ادبیات اقتصادی و اجتماعی-اقتصادی

در نیمه دوم قرن بیستم رواج یافت. از دهه ۱۹۷۰، اقتصاددانان به طور رسمی شروع به مدل‌سازی شرایطی کردند که یک کارگزار (مانند مدیر عامل) برای عمل به نمایندگی از یک جمع (مانند سهامداران) استخدام می‌شود، اما منافع شخصی کارگزار ممکن است با منافع سهامداران در تضاد باشد. در حوزه توسعه اجتماعی-اقتصادی، اصطلاح تعارض منافع به عنوان راهی برای تحلیل و مبارزه با فساد و شکست نهادی در کشورهای در حال توسعه مطرح شد و محققان شروع به مطالعه این موضوع کردند که چگونه تعارض منافع در دولت، سازمان‌های غیردولتی (NGOs^۲) و سایر فعالان توسعه می‌تواند پیشرفت اقتصادی را تضعیف کند.

به طور خاص در حوزه آب، اگرچه در عرصه اجرایی و سیاستگذاری با کمبود توجه به تعارض منافع مواجه هستیم، اما به این مسئله تا حدودی در تحقیقات میدانی توجه شده است. چنانچه Woodall (1991) از اصطلاحی تحت عنوان «مثلث آهنین^۳» در مدیریت منابع آب صحبت کرد که اشاره به سه گروه نخبه قدرت در مدیریت منابع آب دارد. شرکت‌های خصوصی فعال در حوزه مهندسی آب (اعم از مشاور و پیمانکار)، سیاستمداران و بروکرات‌های حوزه آب اضلاع این مثلث هستند که ارتباط مستحکمی با یکدیگر دارند و نحوه مدیریت منابع آب را بر حسب منافع خصوصی جهت‌دهی می‌کنند.

سال‌ها پیش برونز در مطالعات خود در تایلند نشان داد که در بستری از تعارض منافع مابین سیاستمداران و نمایندگان پارلمانی، اعضای پارلمانی، در عوض کسب حمایت انتخاباتی، لابی کرده و پروژه‌های آبیاری را برای حوزه انتخاباتی خود تعریف می‌کردند (Bruns, 1991). نتایج آن مطالعه نشان داد که همچنین نمایندگان مجلس ممکن است خودشان پیمانکار بوده یا با آنها مرتبط باشند. بسیاری از محققان سیاسی و اجتماعی آب اذعان داشته‌اند که رفتار رانت‌جویی و فساد ناشی از تعارض منافع عمیقاً در بافت اجتماعی و سیاسی تمام کشورهای کم‌آب تعبیه شده است (Talebi, 2020). هابرماس به از بین رفتن مرز بین منافع خصوصی و عمومی، از طریق جلوه دادن عام المنفعه بودن منفعت شخصی اشاره دارد. در این فرایند، مهندسی رضایت و میل در بین عامه مردم انجام می‌شود (Habermas, 2020).

شایان ذکر است که تعارض منافع در مدیریت منابع آب تنها در بخش سازمانی و نهادهای متولی وجود ندارد. بلکه در بخش جمعی نیز مصادیق مختلفی از آن قابل مشاهده است. چنانچه پوتر سال‌ها پیش از چنین تعارض منافی در آثار خود صحبت کرد و از بزرگ مالکانی که درگیر تعارض منافع در منطقه خود می‌شوند تحت عنوان «کارگزاران منابع آب^۴» یاد کرد و آنها را دلالتی دانست که در ازای حمایت انتخاباتی از سیاسیون دسترسی آسان‌تر

به منابع آب در حوزه انتخابی را ایجاد می‌کنند (Potter, 1986). در همین رابطه رمانورثی نیز در تحقیقات خود از پروژه آبیاری هاماوایی در حوضه کائوری هندوستان صحبت کرده است که تحت فشار سیاسی، بسیاری از مناطق و حوزه‌ها به طرح اولیه آبرسانی اضافه شدند در حالیکه میزان آب در دسترس ثابت بوده است (Ramamurthy, 1995). (Grindle 1999) نیز در چارچوب تحلیل سیاسی آب به نسبت بین قدرت و سیاست پرداخته که در شرایط تعارض منافع، کمبود منابع آب را تشدید می‌کند.

Molle (2009) در پژوهشی به بررسی نوع خاصی از شرایط تعارض منافع در مدیریت منابع آب می‌پردازد که عبارت است از «چرخش نخبگان سیاسی-اجرایی» در صنعت آب. وی چنین توضیح داد که در بسیاری از کشورها، دولت برنامه‌ریزی و طراحی پروژه‌ها را به شرکت‌های خصوصی یا مشاوران دانشگاهی واگذار می‌کند. اما در بسیاری از موارد مشاهده شده است که این مشاوران از مسئولان قبلی دولت بوده و حتی بسیاری از مسئولان فعلی نیز بعد از بازنشستگی در قالب مشاور در صنعت آب فعال هستند. لذا نه تنها رانت اطلاعاتی فضایی از تجارت‌پیشگی در مدیریت منابع آب را ایجاد می‌کند، بلکه سیاست‌های عمومی نیز می‌تواند بر حسب منافع خصوصی جهت‌دهی شود.

(Molle and Floch 2008) در مقاله خود از تعارض منافع نهادی متولیان آب برای کسب بودجه بیشتر صحبت کرده‌اند. آنها بر این باورند که فرصت‌های رانت‌خواری و قدرت گفتمانی توسعه از طریق منابع آب، سبب سرمایه‌گذاری بزرگ مقیاس بر روی منابع آب شده است که اگرچه لزوماً منجر به نفع عمومی نشده است، اما بودجه زیاد این سرمایه‌گذاری‌ها، رقابت بین گروه‌ها و وزارت‌خانه‌ها را ایجاد کرده است. آنها مثالی از تایلند را در اثر خود آورده‌اند که در دهه ۱۹۷۰ برتری «وزارت آبیاری» توسط «دپارتمان ارتقا و توسعه» به چالش کشیده شد؛ زیرا دپارتمان مذکور تمایل داشت برای کسب بودجه بیشتر، فعالیت خود را در بخش اجرای ایستگاه‌های پمپاژ تعطیل کرده و تمرکزش را بر روی برنامه‌ریزی و مطالعات پروژه‌های عظیم انتقال آب و سدسازی قرار دهد که در رده وظایف وزارت آبیاری تعریف شده بود.

(Mollinga 2008) همچنین به مناقشات هیدروکراتیک بین وزارت آب و وزارت کشاورزی برای تعریف پروژه‌های موازی برای کسب بودجه بیشتر اشاره دارد که این تعارض منافع نهادی و رقابت ناشی از آن در مکزیک ابعادی بحرانی پیدا کرده و منفعت عمومی را به حاشیه برده است. نتایج این تحقیقات بیانگر این است که نه تنها در ایران بلکه در بسیاری از کشورهای جهان، تعارض منافع به‌شکل پررنگی در مدیریت منابع آب وجود داشته بلکه به دلایل مختلف، این تعارض منافع منجر به فساد شده است. از آنجاکه

بهترین شیوه در مقابله با خطرات فساد در مدیریت منابع آب، مبتنی بر پیشگیری قبل از پاکسازی فساد است، اهمیت شناخت بسترهای ایجاد کننده آن بسیار مهم و ضروری است، زیرا تأثیر فساد بر شکست سیاست‌های آبی و کیفیت و کمیت منابع آب اغلب جبران‌ناپذیر بوده و غیرقابل برگشت است و قبل از وقوع فساد ناشی از تعارض منافع، باید بدان پرداخته شود.

۳- روش تحقیق

رویکرد تحقیق حاضر در زمره رویکردهای کیفی و با روش مصاحبه گروهی متمرکز با گروه‌های کانونی است. گروه متمرکز^۵ به مجموعه‌ای از افراد با ویژگی خاص اطلاق می‌شود که با هدایت محقق به تبادل نظر و تجربیات خود پیرامون یک موضوع خاص می‌پردازند (Trainor, 2016). در این تحقیق ویژگی خاص افراد مبتنی بر تجارب حرفه‌ای و دانش آنها در رابطه با تعارض منافع در مدیریت منابع آب بوده است. معمولاً اعضاء گروه ممکن است از چهار نفر تا دوازده نفر متغیر باشند (Then et al., 2014). در این تحقیق نیز در ۹ نشست تخصصی تعداد افراد از ۵ نفر تا ۱۲ نفر متغیر بوده است. در مجموع از ۳۲ متخصص و فعال در حوزه‌های مهندسی آب، مهندسی کشاورزی، محیط‌زیست، علوم اجتماعی، نظام صنفی کشاورزی و رسانه در نشست‌های تخصصی حضور داشتند. برای انتخاب اعضاء گروه، در این تحقیق ابتدا با روش نمونه‌گیری هدفمند^۶ افراد متخصص مرتبط با موضوع از ارگان‌ها و نهادهای مختلف شناسایی شدند و سپس با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری گلوله برفی^۷ افراد مناسب برای حصول بیشترین اطلاعات از منظرهای مختلف انتخاب و به جلسات دعوت شدند.

زمان تخصیص داده شده به هر یک از جلسات پژوهش گروهی متمرکز بین ۲ تا ۳ ساعت بود. این که چند جلسه برای یک پژوهش گروهی متمرکز باید برگزار شود، بستگی به موضوع مورد بحث، تعداد و وضعیت شرکت کنندگان از نظر همگنی و منابع در دست، نظیر زمان و بودجه دارد. اما شاید مهم‌ترین عامل، رسیدن به مرحله اشباع^۸ باشد. به عبارت دیگر، جلسات باید تا وقتی ادامه پیدا کنند که موضوع یا ایده جدیدی از طرف شرکت کنندگان ارائه نشود (Wong, 2008). بعد از برگزاری ۹ جلسه به دلیل تکراری بودن اطلاعات حاصله اشباع مورد نظر اعلام شد.

در سطح تجزیه و تحلیل اطلاعات، ابتدا مباحثات مطرح شده در جریان مصاحبه گروهی، کلمه به کلمه از روی فایل‌های صوتی و تصویری جلسات پیاده‌سازی شده و با یادداشت‌هایی که میانجی و یا همکار وی در جریان مصاحبه برداشتند، یادداشت‌های عرصه^۹ تکمیل شدند. در نهایت داده‌های مشابه در موضوعات یکسان

دسته‌بندی شده و داده‌ها در چند مرحله کدگذاری شدند. در نهایت با مشخص شدن روابط بین تم‌ها پاسخ مسئله اولیه در قالب یک تئوری ابتدایی صورت‌بندی شد. شایان ذکر است نقش هماهنگ‌کننده^{۱۰} یا میانجی^{۱۱} برای برگزاری این پژوهش گروهی متمرکز بر عهده متخصصان و کارشناسان حوزه حکمرانی آب بوده است.

۴- یافته‌های تحقیق

در این بخش در ابتدا با مروری بر قوانین به بررسی جایگاه مدیریت تعارض منابع آب در عرصه سیاستگذاری کشور پرداخته شده و سپس یافته‌های تجربی تحقیق ارائه شده است.

۴-۱- اهمیت مدیریت تعارض منابع در قوانین و سیاست‌های ایران

مفهوم تعارض منابع از سال‌ها قبل در نظام حقوقی ایران مطرح شده است. برای مثال می‌توان به لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۱۳۳۷، قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲، قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳، قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶، قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷، قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴، قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰ و قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۱ اشاره داشت که مفهوم تعارض منابع را در خود مستتر دارد. از مهمترین مصوبات مدیریت تعارض منابع در دوران بعد از انقلاب، با نام «ارتقای سلامت اداری و پیشگیری از فساد» است که در تاریخ ۱۳۹۰/۰۲/۲۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

در عرصه اجرایی، وزارت نیرو از جمله نهادهایی است که در سال‌های اخیر به موضوع مدیریت تعارض منابع و پیشگیری از فساد ورود کرده است. وزیر نیرو وقت در دولت دوازدهم بخشنامه «نحوه مدیریت تعارض منابع» را در تاریخ ۱۳۹۹/۸/۱۸ در ۱۳ بند ابلاغ کرد. این بخشنامه با ارجاع به قانون منع مداخله کارکنان دولت (۱۳۳۷)، قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد (۱۳۹۰) و قانون تجارت ابلاغ شده است.

اهمیت مدیریت تعارض منابع و فساد ناشی از سوءمدیریت آن تا جایی پیش رفت که در بندهایی از برنامه هفتم توسعه (۱۴۰۳/۴/۲) نیز بدان پرداخته شده است. در این برنامه به‌طور اختصاصی مدیریت

تعارض منابع در بخش آب کشور نیز مورد توجه بوده است. چنانچه در ماده ۳۸ به‌منظور بهبود نظام تصمیم‌گیری، استقرار حکمرانی مطلوب منابع آب کشور، اقداماتی تعریف شده است. از جمله این اقدامات که در قسمتی از بند الف این ماده ذکر شده است، مکلف کردن وزارت نیرو به رفع هرگونه تعارض منافع شرکتی تا پایان سال دوم برنامه و تهیه برنامه اصلاح ساختار و اساسنامه‌های شرکت‌های زیرمجموعه خود از طریق ادغام یا انحلال مورد تأکید قرار گرفته است. لذا ماده ۳۸ قانون برنامه هفتم توسعه، نشانگر ضرورت به این امر مهم در مدیریت منابع آب کشور است که نتایج بررسی نشان داد در رابطه با شناسایی مصادیق و بسترهای ایجاد تعارض منابع و فساد ناشی از آن در مدیریت منابع آب کشور کمتر مطالعه‌ای صورت گرفته است.

با توجه به شرحی که بر مطالعات بین‌المللی و داخلی در رابطه با تعارض منابع در مدیریت منابع آب داده شد، اهمیت و ضرورت بررسی نمایان است. با وجود این همانگونه که در گزارش بانک جهانی مشهود بود، تعارض منابع و مصادیق آن امری سیال و مبتنی بر میدان است. لذا مصداق‌شناسی آن و فهم دلایل ایجاد آن در هر دوره و در رابطه با هر مسئله تخصصی از مهمترین پیش‌زمینه‌های ورود به مبحث تعارض منابع به‌طور عام است. بر این اساس، در ادامه نتایج میدانی تحقیق حاضر تشریح شده است که به شناسایی مصادیق، بسترها و پیامدهای تعارض منابع در مدیریت منابع آب پرداخته است.

۴-۲- مصادیق و بسترهای تعارضات منابع در مدیریت منابع آب کشور

بر حسب نتایج استخراج شده از مصاحبه متمرکز گروهی با خبرگان، مصادیق مختلفی از تعارض منابع در مدیریت منابع آب وجود دارد که بر حسب بسترهای مختلف ایجاد شده و پیامدهای چندگانه‌ای را به دنبال دارد. در ادامه بر حسب رویه کدگذاری در رویکرد کیفی مهمترین کدهای استخراجی تیربندی شده و ذیل هر مقوله، بسترشناسی و پیامد احتمالی نشان داده شده است.

۴-۲-۱- وابستگی قاعده‌گذار و مجری

به‌دلیل ماهیت فرابخشی آب، ذی‌دخان متعدد دولتی و غیردولتی در حکمرانی آب نقش‌آفرینی می‌کنند. زمانیکه سیاست‌گذار و مجری، یک سازمان، نهاد یا یک مجموعه خاص باشد، تعارض منابع بروز خواهد کرد. در این شرایط از آنجایی که سیاست‌گذار، خود مجری سیاست‌هایی است که تهیه می‌کند، فرآیند سیاستگذاری (شامل مراحل طراحی سیاست، اجرای سیاست و پایش و ارزیابی)

با تعارض منافع مواجه می‌شود. چنانچه در تحقیقات پیشین نیز نشان داده شد، بسیاری از نظریه‌پردازان از این رویه تحت عنوان «چرخش نخبگان سیاسی- اجرایی» در صنعت آب نام برده‌اند. فرایندی که در بهترین حالت باعث رانت اطلاعاتی شده و در وضعیتی پراسیب تغییر سیاست‌ها از سیاست مبتنی بر منفعت عامه و زیست‌بوم به سمت منافع اقتصادی گروهی اندک چرخش خواهد کرد.

اگرچه در تبصره ۳ ماده ۱۰۷ برنامه هفتم نیز به اهمیت تعارض منافع سهامداران بخش دولتی و خصوصی اشاره شده است و ممنوعیت تا جایی پیش رفته است که حق رأی ایشان در هیأت مدیره و مجامع قانونی سلب شده و حتی ملزم به واگذاری سهام خواهند شد، در جلسات گروهی تحقیق حاضر، به کرات بر تعدد وجود مواردی که مصداقی از وابستگی قاعده‌گذار و مجری بوده است اشاره شد. از جمله اینکه اذعان شد تعداد متعددی از مدیران و کارشناسان ستادی در عرصه خصوصی نیز فعال بوده و ارتباط تنگاتنگی با شرکت‌های پیمانکار و مشاور دارند. در همین رابطه یکی از کارشناسان حاضر در نشست اعلام داشت:

«وقتی بسیاری از مدیران ما در ارتباط با شرکت‌های مهندسی مشاور و یا در ارتباط با پیمانکاران هستند و بعد از بازنشستگی هم اکثریت آنها سهامداران این بخش می‌شوند، به عینه می‌توان تعارض منافع را در تصمیمات اجرایی آنها در دولت دید.»

در مجموع «ارتباطات پسا‌شغلی و حین شغلی» با پیمانکاران و مشاورین در دستگاه‌های اجرایی که گاهی به تعریف پروژه‌های فاقد توجیه کارشناسی منجر شده است، از جمله بسترهای شکل‌گیری تعارض منافع دانسته شده است که به کرات بدان اشاره شد. از جمله یکی از مصداقی چرخش نخبگان سیاسی- اجرایی مکرراً مورد اشاره قرار گرفت، تشکیل «تشکل‌های آب‌بران» بوده است. در موارد مطرح شده چنین ذکر شد اگرچه این تشکل‌ها باید وجهی مردمی و جامعه‌ای داشته باشند؛ اما در موارد متعددی مجوز این تشکل‌ها برای اعضای بازنشسته شرکت‌های آب منطقه‌ای صادر شده و این مجوز به افراد بومی تعلق نگرفته است. شرکت‌های بهره‌برداری از شبکه‌های آبیاری نیز عملاً شرایط مشابهی دارند و در بسیاری از موارد، به بهانه عدم آشنایی بهره‌برداران محلی با اصول فنی بهره‌برداری از شبکه‌های آبیاری، ذینفعان مرتبط با شرکت‌های زیرمجموعه وزارت نیرو، در شرکت‌های بهره‌برداری مشغول به کار شده‌اند. مصداق دیگر از این شرایط، تعاونی‌های روستایی مورد تأیید سازمان‌های جهاد کشاورزی هستند. ذینفعان در این تعاونی‌ها نیز

بعضاً زیر سایه ارتباطات با دستگاه تأیید کننده مجوز تشکیل تعاونی قرار دارند.

یکی دیگر از مهمترین مصادیق وابستگی قاعده‌گذار و مجری در جریان «قانونگذاری آب» مشهود است. از آنجاکه یکی از مهمترین وظایف سه‌گانه نمایندگان مجلس بعد نظارتی است، چنانچه این نهاد به نیرویی برای جهت‌دهی به توسعه منابع آب بر حسب علائق سیاستی افراد حقیقی و حقوقی بدل شود، تعارض منافع حاصل می‌تواند زمینه‌ساز فساد شود. مصادیق این مورد نه تنها در جلسات خبرگانی به کرات مطرح شد، بلکه در تحقیقات پیشین نیز به‌مثابه عاملی در نظر گرفته شده بود که در بستری از تعارض منافع، پایداری منابع آب را مخدوش کرده است.

در بستری از تعارض منافع، قاعده‌گذار و قانون‌گذار می‌توان بدون توجه به منافع ملی و عمومی، با هدف تضمین صندوق رأی تقاضای آب خارج از توان حوضه را محقق سازد. یا از طریق فشار بر وزراء، توسعه منافع آب را افزون بر ظرفیت برد حوضه، محقق کند. هابرماس در کتاب دگرگونی ساختاری حوزه عمومی چنین مطرح می‌کند که در بستری از تعارض منافع، پارلمان می‌تواند کارویژه اصلی خود (نماینده منافع عمومی ملت) را کنار گذاشته و منافع خصوصی را به مثابه منافع عمومی جلوه دهد. روندی که از آن برای تضمین رأی حوزه انتخابیه استفاده می‌شود (Habermas, 2020). در همین رابطه به کرات در شرح مذاکرات مجلس نشان داده شده است که در مناقشه دولت و مجلس بر سر توسعه منابع آب، برخی از نمایندگان بدون لحاظ توان هیدرولوژیک و هیدروژئولوژیک درخواست توسعه منابع آب دارند. برای مثال متخصصان به رویه قانونگذاری بر روی منابع آب زیرزمینی در سال‌های ۱۳۸۵ (قانون الحاق یک ماده‌ای) و ۱۳۸۹ (طرح تعیین تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه بهره‌برداری) اشاره داشتند. در حقیقت بسیاری از افراد دلیل این قوانین تسهیلگر برداشت منابع آب زیرزمینی را فشار حوزه انتخابیه بر نمایندگان برای ممانعت از مسدود کردن چاه غیرمجاز خود اعلام کردند. در ارزیابی کارشناسی «طرح تعیین تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه بهره‌برداری» که در تیرماه ۱۳۸۹ تصویب شد، به مسئله تعارض منافع عمومی و خصوصی اشاره شده است. چنانچه طبق اصل قانون اساسی هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد، اما صدور پروانه بهره‌برداری برای چاه‌هایی که غیرمجاز حفر شده‌اند ممکن است، محدودیت حریم چاه مجاز را نقض کند. ضمن اینکه نمایندگان مخالف این طرح معتقد بودند که چاه‌های غیرمجاز به منافع عمومی و به‌طور کلی سطح آب زیرزمینی آسیب زده و سطح این منابع آب را در اغلب دشت‌های کشور تا حد بحرانی پایین انداخته است.

نیروهای بومی» از مهمترین بستریایی بودند که زمینه‌ساز وابستگی قاعده‌گذار و مجری را ایجاد کرده است. البته فرآیندهای جذب نیروی انسانی از طریق آزمون‌های متمرکز در سال‌های اخیر تا حدی فساد در فرآیندهای جذب را محدود کرده است. خلاصه‌ای از شرح مفهومی وابستگی قاعده‌گذار و مجری در شکل ۱ نشان داده شده است.

در حقیقت در این شرایط، قاعده‌گذار هم در نقش تصمیم‌گیر و هم تصمیم‌ساز در انحصاری از تعاریف و تعیین استانداردها، می‌تواند سیاست‌ها و دستورالعمل‌ها را به‌گونه‌ای ترسیم کند که نفع شخصی در اولویت نسبت به نفع عمومی قرار بگیرد. «مسائل مربوط به نیروی انسانی در دستگاه‌های دولتی»، «محدودیت در جذب نیروی انسانی»، «غلبه روابط بر شایستگی‌ها در جذب نیروی انسانی و ارتقای شغلی» و «استخدام محدود

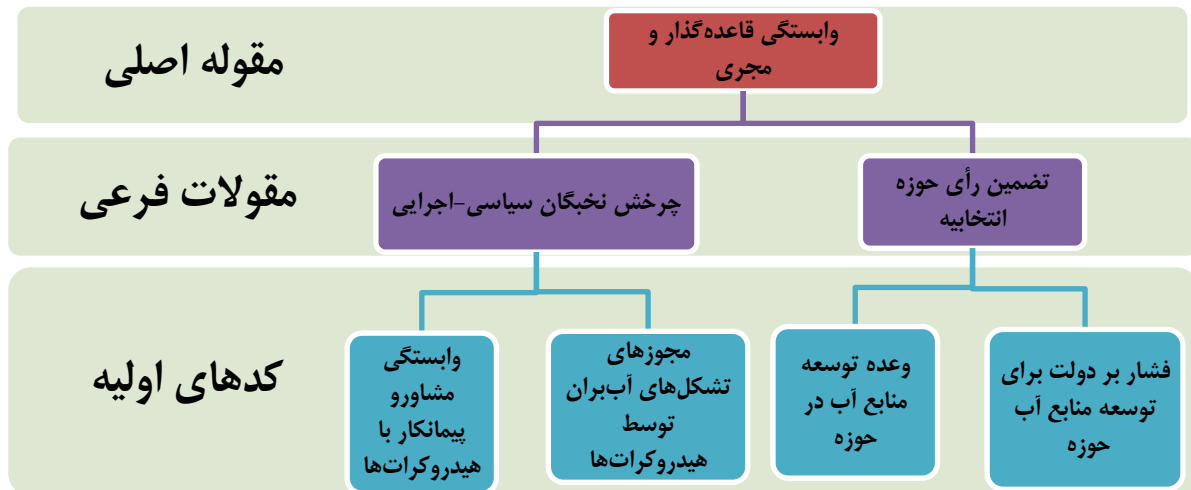


Fig. 1- Conceptual depiction of regulator-implementer dependency
شکل ۱- ترسیم مفهومی وابستگی قاعده‌گذار و مجری

عملاً وزارت نیرو و شرکت‌های زیرمجموعه، خود به نوعی هر دو نقش ناظر و منظور را در حوزه آب بازی کنند. این ناکارآمدی در ساختار کلان دولت منحصر به بخش آب نیست و عملاً در تمام حوزه‌های بهره‌مند از بودجه بروز پیدا می‌کند. در سطح جزئی‌تری، یکی از مصادیق تعارض منافع نظارتی را می‌توان طرح‌های توسعه طرح‌های منابع آب در قالب قراردادهای مهندسی- تدارکات- ساخت‌وساز (EPC¹²) دانست. این نوع از قراردادهای یکی از پرکاربردترین قراردادهای پیمانکاری توسعه منابع آب است. در این پروژه‌ها پیمانکار علاوه بر اجرا و تهیه مصالح عهده‌دار طراحی نیز خواهد بود. مهمترین وجه تفاوت در قراردادهای EPC با قراردادهای تدارکات- ساخت‌وساز (PC¹³) در بخش عملیات ساختمانی است. در الگوی EPC مسئولیت مدیریت اجرا، کنترل کیفی و کنترل پروژه به‌عهده خود پیمانکار است (مجری و ناظر یک نهاد است)، در حالیکه در PC نظارت بر عهده کارفرما است. یکی از موارد مشترک و مهم که در پایان کار اجرایی پیمانکار EPC مطرح خواهد بود، نقطه بازگشت مسئولیت‌ها به پیمانکار اصلی برای راه‌اندازی کار است.

۲-۲-۴- وابستگی ناظر و منظور

وابستگی ناظر و منظور، یکی از مهمترین موقعیت‌های شکل‌گیری تعارض منافع است که سوءمدیریت آن می‌تواند زمینه‌ساز بحران نظارتی و عملکردی شده و ایجاد فساد کند. در حقیقت نظارت بر عملکرد یک مجموعه از مهمترین سازوکارهای اجرای صحیح سیاست و جلوگیری از تخلفات و فساد در آن سیستم است. ویژگی مهم ناظر آن است که باید نسبت به سازمان و مجموعه مجری سیاست، مستقل بوده و اشراف بیشتری نیز به موضوع داشته باشد. بدیهی است اگر نظارت بر یک مجموعه، به خود آن سازمان یا مجموعه‌هایی سپرده شود که نسبت به سازمان مذکور مستقل نیستند، اختلال در اجرای صحیح سیاست ایجاد خواهد شد و فساد و تخلف گسترش خواهد یافت. فقدان نهادهای نظارتی مستقل و نبود نظام پایش و ارزیابی در بسیاری از حوزه‌های آب، زمینه‌ساز بروز طیف گسترده‌ای از ناکارآمدی‌ها در نظام حکمرانی آب کشور شده است. در این زمینه، ضعف عملکرد سازمان برنامه و بودجه در پایش اثربخشی طرح‌ها و فراهم نمودن بستر نظارت مردمی و پاسخگویی شفاف، باعث شده

در این قراردادها کارفرما بعد از واگذاری طرح کار ورود چندان به پروژه نمی‌کند و همه مراحل اجرایی و همچنین کنترل کیفی و نظارت بر پروژه بر عهده پیمانکار خواهد بود. این امر معمولاً از طریق شرکت‌های مهندسی مشاور انجام شده و تمامی فعالیت‌های پیمانکار (در نبود کارفرما) قبل از اجرا، حین اجرا و بعد از اتمام کار منوط به تأیید مشاور خواهد بود. در حقیقت مهمترین مسئله این قراردادها بعد نظارتی آن است (Planning and Budget Organization, 2006). معمولاً در این قراردادها که به کرات در طرح‌های کلان توسعه منابع آب وجود دارد، پیمانکار برای سود بیشتر و سرعت بالاتر تمایل به استفاده از تجهیزات و شیوه‌ها و نیروهای با هزینه کمتر دارد که ممکن است افت کیفی طرح را به دنبال داشته باشد. بررسی و ارزیابی تحقیق حاضر نشان داد که در بسیاری از موارد نوعی از تعارض منافع در نظارت بر این طرح‌ها شکل گرفته است. به گونه‌ای که در پروژه‌های متعدد جای نظارتی شرکت‌ها عوض شده است و لذا در توافقی پیشینی، شرکت‌های مشاور و پیمانکاران به تأیید متقابل یکدیگر و نادیده‌گیری ضعف‌ها می‌پردازند. لذا در این شرایط، در قالب تعاملی از ناظر و منظور، به دلیل اینکه نظارت به خود آن سازمان یا مجموعه‌های وابسته بدان سپرده شده است، تعارض منافع ایجاد شده و افت کیفیت محتمل است. این در حالی است که استقلال ناظر بر نظارت بر عملکرد از مهمترین عوامل سلامت اجرای طرح است.

در حقیقت، این موضوع یکی از مصادیق ضعف در سازوکارهای پایش و ارزیابی نظام حکمرانی آب کشور است. کارشناسان معتقد بودند که سازوکارهای پایش و ارزیابی نظام حکمرانی آب کشور ضعیف و نا کارآمد هستند. در قراردادهایی که ذکر آن رفت، تعارض منافع به شدت مشهود بوده و مهمترین دلیل آن ضعف نظارت و پایش بر عملکرد بوده است. کارشناسان معتقد بودند مهمترین عوامل نظارت بر عملکرد کارفرما و بهره‌برداران هستند که نتایج عملکرد را در ارزیابی علمی و تجربی نشان خواهند داد. این در حالی است که در نبود کانال‌ها و نظام مشخص برای ارزیابی عملکرد توسط نهادهای قوی مدنی و مردمی و تشکل‌ها و نظام‌های صنفی، ارزیابی‌های علمی تبدیل به اعتراضات مردمی و صنفی شده و اثربخشی آن به شدت کاهش خواهد یافت. محدودیت مشارکت جوامع محلی و وجود کارشناسان مستقل از مجری در نبود بستر مناسب پایش و ارزیابی عملکرد نظام حکمرانی آب کشور، بستر شکل‌گیری تعارض منافع را فراهم کرده است. عدم وجود ساز و کار نظارتی شفاف و مستقل، در پروژه‌هایی که سرمایه‌گذاری آن توسط بخش خصوصی صورت می‌گیرد، مشهودتر است و این شرایط با توجه به متعدد شدن پروژه‌های کلان از این نوع در سال‌های اخیر، نیازمند توجه خاص است. این امر البته تا حد زیادی نیازمند

ظرفیت‌سازی در خارج از بخش آب و در نهادهای فرابخشی نظیر سازمان برنامه و بودجه و سازمان حفاظت محیط زیست کشور است. در کنار این مورد، «بی‌توجهی به ظرفیت واقعی دولت برای اجرا و تخصیص منابع به پروژه‌ها» و «محافظه‌کاری و کم‌توانی کارشناسان و مدیران دخیل در فرآیند تعریف و تصویب طرح‌ها»، زمینه‌ساز تشدید تعارض منافع در طرح‌های آبی بوده است. در مجموع ارزیابی نظر خبرگان بیانگر این بود که الزامات و چارچوب‌های نظارتی در طرح‌هایی که اعتبار آنها توسط بخش خصوصی تأمین می‌شود، مبهم است. مجموعه موارد ذکر شده باعث عدم شفافیت در فرآیندهای مالی طرح‌ها شده و زمینه‌ساز بروز تعارض منافع شده است.

یکی دیگر از مهمترین مصادیق تعارض منافع ناشی از وابستگی ناظر و منظور، «وجود جایگاه خاص و ویژه نهادی برخی از دستگاه‌های حاکمیتی» در مدیریت منابع آب دانسته شده است. به طور مثال، زمانی که دبیرخانه‌ی یک شورا یا کارگروه فرابخشی که با هدف ایجاد هماهنگی بین برنامه‌ها و اقدامات دستگاه‌های مختلف تاسیس شده، توسط نهادی که خود تحت نظارت است اداره می‌شود، می‌تواند باعث جهت‌دهی به موضوعات شورا یا کارگروه به سمتی شود که منافع نهاد مذکور تحت تأثیر قرار نگرفته و لذا جایگاه فرابخشی دبیرخانه به دلیل این وضعیت تعارض منافع سازمانی و نهادی، مختل می‌شود. این مورد به کرات در صحبت‌های کارشناسان وابسته به وزارت جهاد کشاورزی، سازمان محیط‌زیست و نمایندگان نظام صنفی مطرح شد. به زعم آنها این وضعیت علاوه بر نابرابری جایگاه نهادی، منجر به انحصار دسترسی یک سازمان به اطلاعات نیز خواهد شد که از مصادیق مهم تعارض منافع بوده و حکمرانی آب را با چالش‌های جدی مواجه می‌کند.

شایان ذکر است، در ساختار متمرکز دولتی، استفاده از ظرفیت شوراهای برای هماهنگی‌های فرابخشی تا حدی اجتناب‌ناپذیر است و طبیعتاً واگذاری دبیرخانه نیز به دستگاه‌های عضو مرسوم و متداول است. شفافیت در فرآیندهای دبیرخانه‌ای، چرخش دوره‌ای مدیریت دبیرخانه، استفاده از ظرفیت نهادهای مستقل پژوهشی برای پشتیبانی از فعالیت‌های کارشناسی دبیرخانه و نظایر آن می‌تواند زمینه بهبود نسبی و کاهش تعارض منافع در ساختار شوراهای فرابخشی ایجاد کند.

خلاصه‌ای از شرح مفهومی وابستگی ناظر و منظور در شکل ۲ نشان داده شده است.

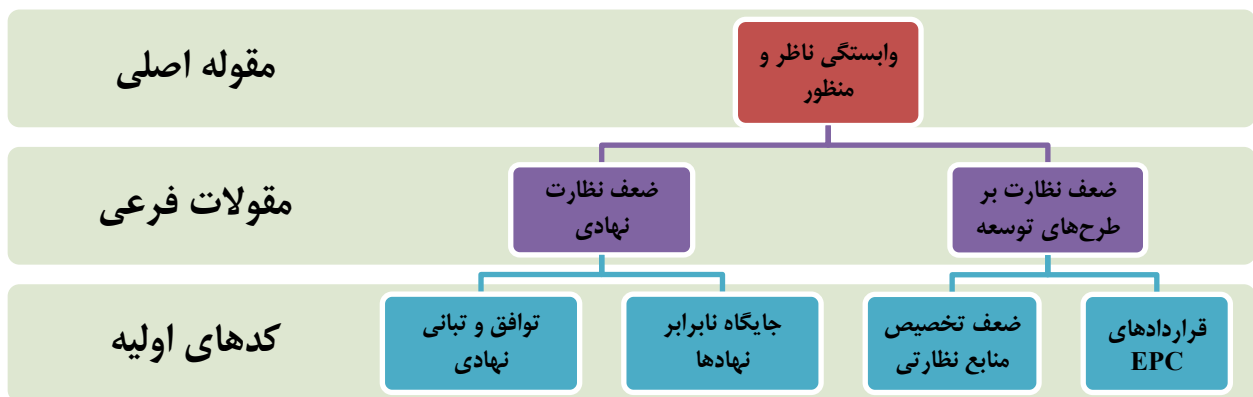


Fig. 2- Conceptual depiction of the supervisor-supervisee dependency
 شکل ۲- ترسیم مفهومی وابستگی ناظر و منظور

۳-۴- تعارض درآمد و وظایف

تعارض درآمد و وظیفه، مربوط به موقعیتی است که یک مجموعه به دلیل ساختار درآمدی خاص خود، از قصور در انجام وظایف اصلی، درآمد بیشتری کسب کند. به عبارت دیگر در گرو کوتاهی در انجام وظایف اصلی، شرايطی ایجاد شود که کسب منفعت فردی یا سازمانی در اولویت باشد و این مصداق بارز تعارض منافع است. یکی از مهمترین بسترهای ایجاد کننده تعارض درآمد و وظایف مربوط به تصویب قوانینی بوده است که وظیفه نظارتی و حفاظتی از منابع آب توسط وزارت نیرو را به وظیفه درآمدزایی از منابع آب توسط این نهاد تبدیل کرد.

از آنجاکه یکی از مهمترین گلايه‌های نمایندگان از اوایل دهه ۱۳۷۰ تا اوایل دهه ۱۳۸۰ ادعای ناعدالتی استان‌های بزرگ‌تر نسبت به استان کوچک‌تر در سهم آب بوده است، لذا در انتهای دولت هشتم علاوه بر هدف کوچکسازی دولت و کاهش فشار اقتصادی بر دولت، باهدف بهبود مسائل و مشکلات موجود در راستای هزینه شدن درآمد هر استان در همان استان و رفع تبعیض استان بزرگ‌تر نسبت به استان‌های زیرمجموعه کوچک‌تر در مدیریت چند استانی، لایحه تبدیل ادارات کل امور آب استان‌ها به شرکت‌های آب منطقه‌ای استان و تبدیل شرکت‌های آب منطقه‌ای که بیش از یک استان را در بر می‌گیرد به شرکت آب منطقه‌ای استان ذی‌ربط، از سوی دولت به شماره ۳۱۱۴۴/۲۴۹۳۵ مورخ ۱۳۸۳/۸/۹ به بحث گذاشته شد.

این قانون از نظر کارشناسان و صاحب‌نظران، نه تنها اختلافات درون حوضه‌ای را دامن زد و منجر به تعارض منافع بین شرکت‌های آب منطقه‌ای استانی شد، بلکه بر مدیریت آبخوان‌های مشترکی که بین حوضه‌های متعدد قرار دارند اثر نامطلوبی بجا گذاشت؛ اما مهمترین مسئله ناشی از تصویب این قانون که بستری از تعارض منافع را ایجاد کرد، تبدیل ادارات به شرکت بود. این به معنای درآمدزایی

خود شرکت و حذف بودجه دولت بوده است. این امر تعارض منافی را ایجاد کرد که کسب درآمد ناشی از فروش آب را نسبت به حفاظت از منابع آب در اولویت اول شرکت‌های آب منطقه‌ای قرار داد. به گفته خبرگان منطق عملکردی این شرکت‌ها با بحث محافظت از منابع آب مغایرت دارد؛ زیرا منطق عملکرد شرکت، مبتنی بر درآمدزایی است و درآمد شرکت آب منطقه‌ای از فروش منابع آب است.

این قانون در نهایت ساختار درآمدی شرکت‌های متولی تأمین آب و بهره‌برداری از آب را به سمتی سوق داد که عمدتاً بر مبنای تعریف و اجرای طرح‌های توسعه، فروش انشعاب و صدور پروانه بهره‌برداری از منابع آب استوار است. بنابراین شرکت‌های آب منطقه‌ای عمدتاً به این سمت گرایش دارند که برای تأمین درآمد جهت پرداخت حقوق پرسنل و غیره نسبت به تعریف و کسب اعتبار طرح‌های توسعه اقدام کنند. همین رویکرد در شرکت‌های آب و فاضلاب برای اجرای طرح‌های آبرسانی به شیوه دیگری بروز پیدا کرده است.

عدم اجرای قوانین و ضوابط رفع زیان و جبران خسارت در قوانین آب از جمله بسترهایی دانسته شده است که تعارض بین وظایف و درآمد را ایجاد کرده و افراد را به سمت کسب درآمد در تعارض با منافع عمومی قرار خواهد داد. در جلسات برگزار شده، اعضای نظام صنفی کشاورزی بیشترین تأکید را بر این امر داشتند. به‌زعم آنها تدوین قوانین و به‌روزرسانی قوانین آب امری بی‌فایده است؛ زیرا همین قوانین موجود نیز در عمل اجرا نمی‌شود. ماده ۴۴ قانون توزیع عادلانه آب در رابطه با پرداخت خسارت حقا به صورت نقصان آن توسط طرح‌های توسعه‌ای حاکمیتی از جمله مهمترین مواردی بود که به کرات مورد بحث قرار گرفت. در این رابطه ادعا بر این بود که پرداخت خسارت به نفع نهاد مدیریتی آب نبوده و تاکنون مورد

اجرا قرار نگرفته است. به بیان دیگر نبود یا غیرشفاف بودن نظام‌نامه‌های تخصیص و بازتخصیص منابع آب سطحی و زیرزمینی از حقایق‌داران و صاحبان پروانه به متقاضیان جدید بهره‌برداری از منابع آب، بستر بروز تعارض منافع را ایجاد کرده است. برای مثال یکی از اعضای نظام صنفی در این زمینه مدعی این مطلب است که:

«قانون توزیع عادلانه آب خیلی از بخش‌هایش مغفول مانده است. طبق این قانون، باید اسنادی ارائه می‌شده که میزان حقایق‌دار است. پروانه مصرف معقول داده شده که تعیین کرده هر بهره‌بردار چقدر از آب سطحی می‌تواند برداشت کند. نه وزارت جهاد کشاورزی و نه وزارت نیرو در این زمینه نقش خودشان را به درستی انجام نداده‌اند. چون وزارت نیرو حقایق‌دار را که مالکیتی بر آن نداشته، فروخته و سهم‌بر تعریف کرده است تا درآمدزایی کنند. چون حقایق‌دارها نیازی به آب جدید نداشتند، از رودخانه تأمین آب می‌کردند و با احداث سدها موافق نبودند. وزارت‌خانه‌ها برای معنی دار کردن پروژه‌های اجرایی و گرفتن بودجه‌های کلان، لازم بود سهم‌برهای جدیدی را ایجاد کنند.

تعارض درآمد و وظایف تنها در سطح ساختاری و نهادی مورد توجه کارشناسان نبوده است، بلکه در سطح مردمی و جامعه‌ی نیز ادعا بر این بوده است که به دلیل قوانین و دستورالعمل‌های نظارتی متناقض و کوتاه‌مدت، تمکین‌کنندگان از قوانین متحمل هزینه بیشتری نسبت به متخلفان می‌شدند و این موضوع، قانون‌گریزی ناشی از تعارض منافع را در تجارب بعدی تسهیل کرده است. به عبارت دیگر تناقضات متناوب در قوانین، سبب ضعف مشروعیت آن قوانین در جامعه شده است. این موضوع را در رابطه با چاه‌های

غیرمجازی که طی دوره‌های مختلف مجوز بهره‌برداری دریافت کردند و ذکر آن رفت به نحو مشهودی می‌توان مشاهده کرد. یکی از موانع اجرایی شدن طرح احیا و تعادل بخشی منابع آب زیرزمینی نیز تجربه بهره‌بردار از وجود قوانین تسهیل‌گر و امیدواری نسبت به بازتعریف این قوانین بوده است. به گفته متخصصان، این وضعیت نه تنها باعث قبح‌زدایی از جرم شده و به منابع آب آسیب زیادی وارد نموده است، بلکه بی‌عدالتی را در حق بسیاری از افرادی که به قانون احترام گذاشته‌اند و دارای حقایق‌دار قانونی بوده‌اند، به دنبال داشته است. همچنین، به دلیل تغییرات چندگانه در رابطه با متولی پرداخت هزینه کنتور چاه طی سال‌های گذشته، بهره‌بردارانی که هزینه را همان ابتدا پرداخت کردند متضرر شدند. این رویه و موارد مشابه باعث شد تا در مواجهه با قوانین حفاظتی منابع آب، نفع افراد در سرپیچی از قانون باشد. برای مثال، در همین رابطه یکی از کارشناسان اعلام می‌کند:

«سیاست‌های ما نه تنها بازدارنده تخلفات نیست، بلکه چه بسا زمینه‌ساز فساد و رفتارهای متخلفانه است. با این شیوه اجرای قانون متخلفین یاد می‌گیرند که چه بسا اگر مقاومت کنیم و زمان بگذرد دوباره چاه غیرمجاز تبدیل به مجاز می‌شود. یا مثلاً دوباره می‌توانیم حق‌النظاره را حذف کنیم.»

همچنین، به گفته بسیاری از کارشناسان، حفر چاه غیرقانونی در برابر این سطح از مجازات برای بهره‌بردار متخلف به‌صرفه است و رویه‌های قضایی پر پیچ و خم و طولانی‌مدت نیز در بسیاری از موارد به نفع بهره‌بردار متخلف است و باعث می‌شود افراد به راحتی نفع فردی را بر مصلحت عمومی حفاظت از منابع آب ترجیح دهند. خلاصه‌ای از شرح مفهومی تعارض درآمد و وظیفه در شکل ۳ نشان داده شده است.

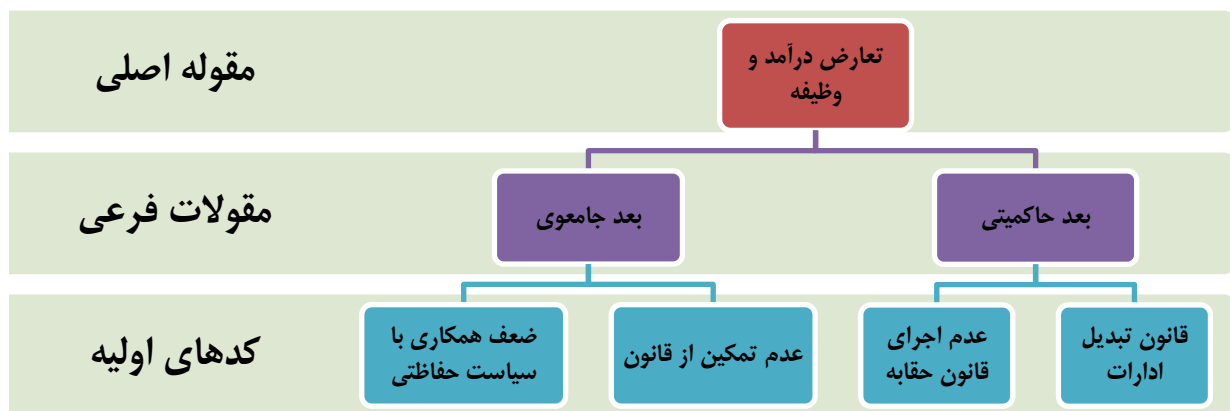


Fig. 3- Conceptual depiction of the income-duty conflict

شکل ۳- ترسیم مفهومی تعارض درآمد و وظیفه

همان‌طور که تشریح شد، تعارض منافع در مدیریت منابع آب مهمترین بستر در ایجاد فساد و در نتیجه آن تشدید بحران در وضعیت افت منابع خواهد بود. با این وجود انواع این تعارضات در بستر و زمینه سوءمدیریت میتواند آسیب‌زا باشد. خبرگان مورد مصاحبه در این پژوهش معتقد بودند که بدون شناخت این بسترهای آسیب‌زا، قوانین ناکارآمد شده، اجرای پروژه‌ها ناقص و کم‌بهره شده،

نظارت تضعیف شده و در نهایت منابع درآمدی نیز به شکلی نابرابر و بدون توجه به منافع عمومی توزیع خواهد شد. انواع مهمترین تعارضات منافع در مدیریت منابع آب که شرح آن گذشت در جدول شماره ۱ در تناسب با مهمترین عوامل زمینه‌ساز نشان داده شده است.

Table 1- The relationship between conflict of interest in water resources management and its enabling context

جدول ۱- نسبت تعارض منافع در مدیریت منابع آب با بستر ایجادکننده

درآمدی	قانونگذاری	اجرایی	نظارتی	
تعارض درآمد و نظارت	وابستگی قاعده‌گذار و مجری	وابستگی ناظر و منظور	-	نظارتی
تعارض درآمد و وظایف	وابستگی دستگاه نظارتی قوه مقننه و اجرایی	-	وابستگی ناظر و منظور	اجرایی
تضمین صندوق رای حوزه انتخابی	-	وابستگی دستگاه نظارتی قوه مقننه و اجرایی	وابستگی قاعده‌گذار و مجری	قانونگذاری
-	تضمین صندوق رای حوزه انتخابی	تعارض درآمد و وظایف	تعارض درآمد و نظارت	درآمدی

همان‌طور که در جدول شماره ۱ نشان داده شده است، تعارضات به دلیل برهم‌کنش عوامل و بسترهای زمینه‌ساز در مدیریت منابع آب ایجاد شده است. مصادیق آن مورد بحث قرار گرفت و پیچیدگی مسئله در جامعه ایران از منظر نخبگان تشریح شد. در ادامه مهمترین تدابیر و راهکارهای مواجهه با تعارضات منافع در مدیریت منابع آب و فشار ناشی از آن از منظر خبرگان شرح داده شده است.

۴-۴- تدابیر مبارزه با تعارض منافع در مدیریت منابع آب و فساد ناشی از آن

از مهمترین بخش‌های جلسات خبرگانی در رابطه با تعارض منافع در مدیریت منابع آب، تدوین راهبردهایی برای مواجهه و کاهش

تعارض منافع در مدیریت منابع آب بوده است. نکته قابل توجه در تدوین راهبرد بهبود وضعیت در نظر گرفتن این نکته است که تعارض منافع مربوط به حوزه انتخاب فردگرایانه و عدم در نظر گرفتن منافع جمعی و عمومی است که مهمترین آنها شامل: دریافت رشوه، جعل قرائت کنتور آب، برداشت بیش از حد آب، نادیده گرفتن تخلیه فاضلاب یا استفاده از مواد نامرغوب در ساخت سد همگی ترجیح نفع فردی بر عمومی است که فسادآفرین است. به‌زعم کارشناسان راه‌حل‌های فنی و کنترل‌کنندگی دقیق به مثابه ابزارهای قانونی، میزان صلاحدید و منفعت‌گرایی شخصی بازیگران در این دوراهی را کاهش می‌دهد.

در رابطه با ابزارهای قانونی برای مدیریت تعارض منافع به موارد دیگری چون اصلاح رویه‌های تدارکاتی، پایش و ارزیابی، قوانین

بازدارنده و تمرکززدایی اشاره شده است. کاهش پیچیدگی در قواعد بروکراتیک و در کنار آن قوانین شفاف در صدور مجوزها از جمله این موارد بود.

به‌زعم بسیاری از کارشناسان، تدارکات نقطه داغ تعارض منافع است؛ چنانچه بدون وجود قوانین سختگیرانه و رویه شفاف، احتمال دستکاری در فرآیند مناقصات طرح‌های آبی وجود دارد و این رویه به انحصارگرایی دامن خواهد زد. انحصارها تعارض منافع را تشدید کرده و به افزایش فساد منجر می‌شوند؛ زیرا انحصار، قیمت‌گذاری مبتنی بر عرضه و تقاضا را مخدوش می‌کند که به نوبه خود فضایی برای رشوه و سایر اشکال فساد ایجاد می‌کند. انحصارات دولتی یا خصولتی معمولاً شامل قراردادهای بسیار بزرگی است که سود خالص مورد انتظار را افزایش دهد. افزایش رقابت اقتصادی به عنوان بخشی از اصلاحات ضد فساد ناشی از تعارض منافع است.

پیمانکاران به دلیل تمرکز بر درآمدزایی خود، مستعد تبانی هستند و به موجب آن مناقصه رقابتی را تضعیف کرده و با کسب اطلاع از کمترین پیشنهاد صاحب طرح خواهند شد. آنها با توانایی کنترل رقابت، می‌توانند پیشنهادات خود را افزایش دهند و حاشیه سودی ایجاد کنند که بین طرف‌های تبانی کننده تقسیم می‌شود. بنابراین اصلاحات تدارکاتی با بازتنظیم مقررات و قوانین نظارتی شفاف باید توسعه یابد. عملکرد بازرسان عمومی در این رابطه می‌تواند اثرگذار باشد.

بعد از برنده شدن مناقصه و در حین اجرای طرح نیز پیمانکاران می‌توانند با کادر فنی همکاری داشته باشند تا حاشیه سود خود را پس از برنده شدن قرارداد کماکان حفظ کنند. همان‌طور که نشان داده شد این شکل از فساد ناشی از تعارض منافع در قراردادهای EPC محتمل است. موارد دیگر ذکر شده شامل رشوه دادن به مقامات دولتی برای در نظر نگرفتن استفاده از مواد نامرغوب، فاکتورهای بیش برآورد شده و طولانی کردن زمان ارائه پروژه بوده است. برای مواجهه با این شرایط، سازوکار نظارتی و مشارکتی از جمله موارد زیر می‌تواند مفید باشد:

- وجود واحدهای نظارتی و حسابرسی مستقل؛
- دسترسی شفاف به حساب‌های عمومی؛
- حفاظت از افشاگران و پاداش‌دهی به آنها که مقامات دولتی و کارمندان بخش خصوصی را تشویق به گزارش رفتار غیرقانونی می‌کند.

علاوه بر این آگاهی عمومی و ایجاد ظرفیت یک جامعه مدنی قدرتمند به طور بالقوه می‌تواند شرایطی را ایجاد کند که شرایط تعارض منافع به نحو مطلوب‌تری مدیریت شود. به‌گونه‌ای که فعالیت‌های فسادبرانگیز را خنثی کرده و نارضایتی و خشم را علیه

اقدامات غیرقانونی، تبانی خصوصی و عمومی و ارائه خدمات ضعیف آب بسیج کند. قدرت جامعه مدنی در درجه اول از توانایی تبلیغ و قدرت رسوایی بسترهای تعارض منافع و شرایط فسادبرانگیز ناشی از آن و از طریق افزایش آگاهی عمومی از پیامدهای آن ناشی می‌شود. در حقیقت گذار به سمت سیاستگذاری عمومی، شفافیت و اطلاع‌رسانی، از مهمترین ابزارهای مدیریت تعارض منافع و ممانعت از فساد احتمالی ناشی از آن است. این اصلاحات می‌تواند شامل آموزش روزنامه‌نگاران در مورد چگونگی تحقیق در مورد شناسایی شاخص‌ها و بسترهای تعارض منافع و جرایم ناشی از سوءمدیریت آن در صنعت آب و حمایت مادی و معنوی از آنها برای پوشش محاکمات پیچیده فساد ناشی از سوءمدیریت تعارض منافع در مدیریت منابع آب باشد.

با این همه باید در نظر داشت که نقش جامعه مدنی در مبارزه با سوء مدیریت تعارض منافع آب و فساد ناشی از آن ارتباط تنگاتنگی با ظرفیت آن (نظارت و غیره) و شفافیت نهادهای عمومی مرتبط دارد، یعنی افزایش شفافیت برابر با کاهش فساد ناشی از تعارض منافع است. همچنین، این نکته را باید در نظر داشت که در رابطه با نقش شفافیت به راحتی اغراق نشود؛ زیرا اگرچه اغلب چنین استدلال می‌شود که شفافیت، منجر به کاهش سوء مدیریت تعارض منافع خواهد شد، اما برای این امر خطیر و حساس، جامعه مدنی باید برای دسترسی واقعی به اطلاعات و توزیع آن قدرت داشته باشد. همچنین، عموم مردم باید آموزش ببینند تا این اطلاعات را ترکیب کنند و بر اساس آن عمل کنند. همچنین، ورود به عرصه سیاستگذاری عمومی برای مواجهه با سوءمدیریت تعارض منافع با این خطر مواجه است که نتیجه معکوس داشته باشد و حتی فساد را افزایش دهد. این شرایط زمانی حاصل خواهد شد که فعالیت‌های افشاء کننده سوءمدیریت تعارض منافع، توسط مقامات ذی‌صلاح حمایت نشده و مفسد محکوم نشود یا مجازات مجرمان شناسایی شده ناچیز تلقی شود.

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف کالبدشکافی پدیده تعارض منافع در مدیریت منابع آب ایران نشان داد که این مسئله فراتر از یک تخلف فردی، یک چالش ساختاری و ریشه‌دار در نظام حکمرانی آب کشور است. همان‌طور که در ادبیات جهانی نیز اشاره شده است، تعارض منافع، یکی از مهم‌ترین پیش‌زمینه‌ها و بسترهای مهم مولد فساد بوده و نقش تعیین‌کننده‌ای در ناکارآمدی سیاست‌ها و تشدید بحران آب ایفا می‌کند.

نتایج حاصل از تحلیل دیدگاه‌های خبرگان، سه گره اصلی ساختاری را در این زمینه نمایان ساخت: وابستگی قاعده‌گذار و مجری که مرز میان منفعت عمومی و خصوصی را در فرآیندهای سیاست‌گذاری و اجرا مخدوش می‌کند؛ وابستگی ناظر و منظور که با تضعیف استقلال نهادهای نظارتی، کیفیت پروژه‌ها را قربانی تباری‌ها و توافقات پنهان می‌سازد؛ و تعارض میان درآمد و وظایف که نهادهای متولی حفاظت از آب را به فروشندگان آن تبدیل کرده و منطق اقتصادی را بر پایداری منابع طبیعی حاکم می‌کند. این سه بستر در یکدیگر تنیده شده و چرخه‌ای را ایجاد می‌کند که به ناکارآمدی، رانت و شکست سیاست‌های آبی دامن می‌زند.

در سال‌های اخیر البته اقدامات ارزشمندی، عمدتاً از جنس فن‌آوری محور، برای اصلاح بسترهای شکل‌گیری تعارض منافع انجام شده است که از آن جمله می‌توان به سامانه‌های شفافیت الکترونیک، اطلاع‌رسانی عمومی قراردادهای و برخی تغییرات در قوانین مناقصات اشاره کرد. این اقدامات در کنار تصویب موادی در برنامه هفتم توسعه، نشان‌دهنده آگاهی سیاست‌گذاران از اهمیت این موضوع است، اما یافته‌های این تحقیق تأکید می‌کند که استمرار کاربرد و تعمیق راه‌کارهای رفع تعارض منافع ضروری است. مبارزه مؤثر با تعارض منافع در بخش آب مستلزم یک رویکرد چندوجهی و قاطع است که شامل موارد زیر می‌شود:

اصلاحات ساختاری و قانونی: بازنگری در ساختار شرکت‌های آب منطقه‌ای برای تفکیک وظایف حاکمیتی (حفاظتی) از تصدی‌گری (بهره‌برداری و فروش)، و تدوین قوانین شفاف برای جلوگیری از «چرخش نخگان» میان بخش دولتی و خصوصی. ذیل این بازنگری نیاز به بازتعریف تعارض منافع در حوزه آب با توجه به شرایط کشور ایران و با لحاظ توجه خاص به تمایزات بین تعارض و تضاد منافع وجود دارد.

۱. استقرار نظارت مستقل: ایجاد نهادهای نظارتی

مستقل از بدنه اجرایی برای پایش پروژه‌ها، قراردادها و عملکردها، با ضمانت اجرایی لازم برای برخورد با تخلفات؛

۲. شفافیت حداکثری: الزام به انتشار عمومی و برخط

تمامی اطلاعات مربوط به قراردادها، مناقصه‌ها، مجوزهای صادره و گزارش‌های ارزیابی پروژه‌ها جهت فعال‌سازی نظارت همگانی؛

۳. توانمندسازی جامعه مدنی: حمایت از نهادهای

مدنی، رسانه‌های تحقیقی و افشاگران فساد به‌عنوان بازوهای نظارتی جامعه برای رصد کردن موقعیت‌های

تعارض منافع و پاسخگو کردن مسئولان. در این بخش نیاز به تعریف وظیفه عمومی به‌عنوان یک میثاق عمومی بین اعضای جامعه در جهت ایجاد بستر اجتماعی و سیاستی مناسب برای «در دستور کار قرار گرفتن» مسأله تعارض منافع به‌عنوان یک مسأله مهم در حوزه حکمرانی آب در کشور و جلب توجه به نتایج ناپسند تضاد منافع خصوصی و عمومی برای جامعه و محیط زیست است.

در نهایت، باید پذیرفت که دستیابی به حکمرانی مطلوب و پایدار آب، بدون خشکاندن ریشه‌های تعارض منافع امکان‌پذیر نیست. این امر نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت انکارناپذیر برای حفظ منابع آبی کشور و تضمین امنیت ملی و محیط‌زیستی نسل‌های آینده است.

پی‌نوشت‌ها

- 1- Non-Governmental Organization
- 2- Conflict Theory
- 3- Iron Triangles
- 4- Water Resources Brokers
- 5- Focus Group
- 6- Purposive Sampling
- 7- Snowball sampling
- 8- Saturation
- 9- Field notes
- 10- Facilitator
- 11- Moderator
- 12- Engineering Procurement Construction
- 13- Procurement Construction

۶- مراجع

- Ansari B (2022) Managing conflict of interest in the public sector. *Public Law Studies* 52(1):297-321
- Bruns B (1991) The stream the tiger leaped: A study of intervention and innovation in small scale irrigation development in Northeast Thailand. Ph.D. Thesis. Cornell University, Cornell, USA.
- Grindle MS (1999) In quest of the political: The political economy of development policy making, CID Working Paper No. 17. Center for International Development at Harvard University
- Habermas J (2020) Structural transformation of the public sphere. Translated by Jamal Mohammadi, Afkar Publications, Tehran (In Persian)
- Jafarinia S, Abedi Jafari H, Vakili Y, Ranjbar Kabuterkhani M (2022) Typology of conflict of interest of government agents: A survey of conflict of interest studies in the public sector. *Iranian Journal of Public Administration Studies* 5(1)1-29 (In Persian)
- Lo B, Field M J (2009) Conflict of interest in medical research, education, and practice. Washington, National Academies Press
- Molle F, Floch P (2008) Megaprojects and social and environmental changes: The case of the Thai water grid. *Ambio* 37(3):199-204
- Mollinga P (2008) Water, politics and development: framing a political sociology of water resources management. *Water Alternatives* 1(1):7-23
- Moor D, Cain D, Loewenstein G, Bazerman M (2005). Conflicts of interest: Challenges and solutions in business, law, medicine, and public policy. Cambridge University Press
- Plummer J, Cross P (2006) Tackling corruption in the water and sanitation sector in Africa: Starting the dialogue. (Working paper) Water and Sanitation Program, Washington, DC, USA
- Potter D (1986) India's political administrators 1919-1983. Oxford Clarendon Press
- Sah S (2019) Understanding the (perverse) effects of disclosing conflicts of interest: A direct replication study. *Journal of Economic Psychology* 18(75):1-14
- Shah A, Schacter M (2004) Combating corruption: Look before you leap. *Finance & Development*, 41(4):4043
- Talebi M (2022) A century of water governance in Iran. Tehran, Red Thought Publications
- Then RL, Rankin JA, Ali E (2014) Focus group research: What is it and how can it be used? *Canadian J Qualitative Res* 24(1):16-22
- Traynor M (2016) Focus group research. *Nursing Standard* 29(37):44-8
- Trost C, Alison G (2008) Conflicts of interest and public life, Cross-National Perspectives. Cambridge University Press
- United Nations (2005) Health, dignity, and development: what will it take? UN millennium project task force on water and sanitation. New York, Swedish Water House/SIWI and UN Millennium Project: 61
- Wong LP (2008) Focus group discussion: a tool for health and medical research. *Singapore Med J* 2008, 49(3):256-300
- Woodall B (1993) The logic of collusive action: The political roots of Japan's dango system. *Comparative Politics* 25(3):297-312